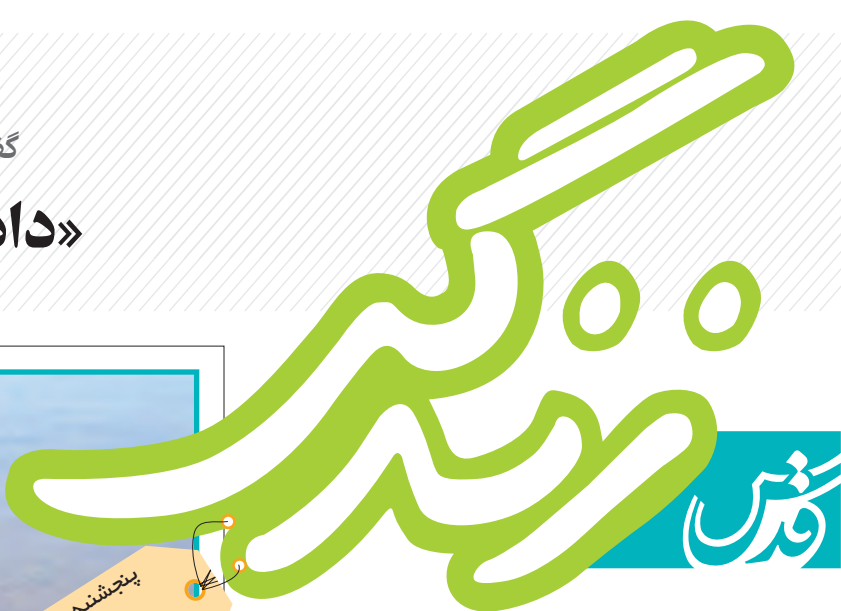




گفتگو

## روزمره نگاری

### مثل کفش باشیم

**رقیه توسلی:** ایستادهام پشت وپترین کفشفروشی- چشمم چسبیده به بنفشی که قیمتش باب طبعم نیست، اما طرح و رنگش چرا. تا دلتان بخواهد. آنقدر دلبر و سیریش است که نمی‌گذارد چشم از او بردارم و به باقی کارها، نیم‌نظری بیندارم.

سال‌هاست کشف کردهام مدل جالبی از خریدارانم. با یک نگاه عاشق می‌شوم و بقیه کارها از انتخابم می‌افتند. جوری که باید همان را بردارم که صدایم زده و نشسته به دلم، وگرنه از دست ده‌ها مغازه و صدها طرح خوش‌بر و رودزتر کاری ساخته نیست که نیست.

مشغول کفش بینی‌ام که صدای زن و مرد جوان، رها می‌شود دوم.

مرد: اشتباه کردم. ببخش.

زن: (سکوت)

مرد: نمی‌دونستم گرفتن سر متر برام داستان میشه وگرنه به گور خاندانم می‌خندیدم این کار بکنم.

زن: عیبی نداره. پس جامون عوض می‌کنیم. اگه من می‌رفتم سر متر را برای آقای فروشنده می‌گرفتم عکس‌العملت چی بود؟ بی‌هوا رفتی کمک خانم فروشنده. اون ارت کمک نخواسته بود! چرا؟ چرا این کار کردی؟ انتظار داری وقتی رفتارتر رو می‌فهمم، لال باشم؟

مرد: (سکوت)

زن از کنار رد می‌شود و مرد هم. ماسک ندارند. دلم به حال جفتشان می‌سوزد اما به‌گمانم برای خانم بیشتر. چون می‌دانم رنجی افتاده به جانش که شاید ساعتی جلوتر ببخشد ولی ردش می‌ماند. رد آزاددهنده‌اش.

آن‌ها که می‌روند، به کفش‌هایم نگاه می‌کنم. نو نیستند. قریب پنج سال از عمرشان می‌گذرد. دوستان خوب و نجیبی که پایه پالم در سرما و گرما آمده‌اند. به کفش بنفش وپترین هم دوباره نگاهکی می‌اندازم و تا به خودم بجنبم می‌بینم دارم از خیابان رد می‌شوم.

دم زن و مرد غریبه عابر گرم... خیرشان بدهد خدا... گپ‌شان به کارم آمد. روشم کرد... منصرف شدهام از داشتن آن کفش‌های خوش قیافه... به خودم نهیب زدم انتخابم باید جوری باشد که رنگ و طرح و قیمتش را با هم بپسندم تا دوستش داشته باشم... تا خدای ناخواسته یک‌وقت چشمم نرود پی کفشی دیگر... را یک جای کار نلنگد... باید دل یک دله کنم و همراه کفشی بشوم که همه جوهره‌خاطرخواهش به‌مانم؛ عاشقانه، بی‌لغزش. **پی نوشت:** ۱- ماسک بزنیم. به خودمان وفادار باشیم. کرونا از پلک چشم به ما نزدیک‌تر است.

۲- «خانجان» راست می‌گفت که زن و مرد، کفش‌اند. دو لنگه که نمی‌دانند چه سفرهای دور و دراز ناشناخته‌ای در پیش دارند. باید جفت هم و پشت هم باشند تا عمرشان به‌دنیاست!

## حکایت امروز

### علاقه، پیدا کردنی نیست



جمله و توصیه معروف: «علاقات را پیدا کن» خوراک سمینارها، کنفرانس‌ها و کتاب‌های عامه پسند «روش موفقیت» است. اگر شما هم تا امروز این توصیه معروف را شنیده و خوانده و سعی کرده‌اید تا به آن عمل کنید، حالا باید سعی کنید

نگاه و طرز فکرتان را عوض کنید. سایت «ترجمان» در مقاله‌ای به نقل از «آتلانتیک» نوشته است: کاربرد اصطلاح «دنبال علاقه‌ات باش» که نقل محافل آمریکایی است، از سال ۱۹۹۰ در کتاب‌های انگلیسی‌زبان ۹ برابر بیشتر شده است. یکی دیگر از توصیه‌های حاضر و آماده که در مشاوره کالج‌ها ارائه می‌شود این است: «اگر آنچه را دوست داری انجام بدهی پیدا کنی، آن وقت دیگر مجبور نیستی یک روز هم در زندگیت کار کنی!». پل اوکیف، استادیار روان‌شناسی دانشگاه ییل می‌گوید: واقعاً پیامدهای این توصیه چیست؟ این توصیه به این معنی است که اگر عملی که انجام می‌دهی مثل کار است، یعنی دوستش نداری!

اوکیف و دو همکارش از دانشگاه استنفورد، به تازگی مطالعه‌ای را انجام دادند که می‌گوید ممکن است زمانش رسیده باشد شیوه تفکرمان را درباره علاقه‌هایمان تغییر دهیم. آن‌ها استدلال می‌کنند که علاقه «پیدا» نمی‌شود، بلکه ایجاد می‌شود. البته در این زمینه دو نظریه وجود دارد. یکی نظریه «ثابت» که می‌گوید علاقه‌مندی‌های اصلی از زمان تولد وجود دارند و فقط منتظرند که کشف شوند و نظریه «رشد» که می‌گوید علایق چیزهایی‌اند که هرکس در طول زمان می‌تواند آن‌ها را پرورش دهد... منتقدان به نظریه اول می‌گویند احمقانه است اگر فکر کنید علایق چیزهایی‌اند که کاملاً شکل‌گرفته پیدا می‌شوند و کار شما این است که برای یافتنشان دور دنیا را بگردید... محققان گروهی از دانشجویان را از نظریه ثابت یا رشد آگاه کردند و بعد آن‌ها را در معرض علاقه جدیدی قرار دادند. یعنی ابتدا ویدئویی سرگرم‌کننده و ساده درباره ایده‌های نجومی استیون هاوکینگ را به آن‌ها نمایش دادند و بعد یک مقاله بسیار تخصصی و سخت درباره سیاه‌چاله‌ها را دادند که بخوانند. دانشجویانی که با نظریه ثابت آشنا شده بودند و با دیدن ویدئو گفته بودند که شیفته سیاهچاله‌ها هستند، بعد از خواندن مقاله دشوار گفتند دیگر علاقه‌ای به سیاهچاله‌ها ندارند! به بیان دیگر، وقتی به ما می‌گویند که علایقمان به‌گونه‌ای ریشه‌دارند، به‌محض اینکه اوضاع سخت می‌شود علایق جدید را رها می‌کنیم. مطالعه دیگری نشان می‌دهد افرادی که فکر می‌کنند علایق را باید پیدا کرد تمایل دارند شغل‌هایی انتخاب کنند که از آغاز کاملاً مناسبشان است. آن‌ها رضایت را بیش از درآمد خوب در اولویت قرار می‌دهند. اما افرادی که فکر می‌کنند علایق ایجاد می‌شوند اهداف دیگری را، بیش از رضایت بی‌واسطه از کار، در اولویت قرار می‌دهند... آن‌ها در طول زمان رشد می‌کنند تا حرفه‌شان را بهتر انجام دهند.

گفت‌وگوی صریح قدس با مسعود ده‌نمکی، کارگردان سریال جنجالی این شب‌های شبکه سه

## «دادِستان» از جنس مچ‌گیری و سیاه‌نمایی نیست



پنجشنبه ۳۰ بهمن ۱۳۹۹  
۶ رجب ۱۴۴۰  
۱۸ فروردیه ۱۴۰۱  
شماره ۹۹۷۰  
ZARDEGI@QUDSONLINE.IR

مرگ مبهم هزاران پرنده مهاجر

## تراژدی «میانکاله»

عکس: ایرنا - احسان فضلی اوسلانو

است. اگرچه در روزهای گذشته عوامل متعددی مانند آنفلوآنزای فوق حاد پرندگان، نیوکاسل، سم بوتولینوم ایجاد می‌شود و پرندگان با خوردن گیاهان یا حیوانات آلوده به این سم به آن مبتلا شده و جان خود را از دست می‌دهند.

ابتلای پرندگان به این بیماری و یا مرگ دسته‌جمعی آن‌ها موضوع تازه‌ای نیست و در همه جای دنیا مرسوم است اما چیزی که مرگ و میرهای میانکاله را کمی تا قسمتی وارد حاشیه می‌کند، اظهارات ضدونقیض مسئولان است. علاوه بر این، به گفته کارشناسان این حوزه، این بیماری در هیچ کجای دنیا در فصل زمستان رخ نمی‌دهد، چرا که باکتری‌هایی که سم بوتولیسیم را ایجاد می‌کنند یک باکتری بی‌هوازی گرم‌دوست هستند!

### ۸ هزار پرنده

هنوز دلایل مرگ‌ومیر پرندگان در سال گذشته در هاله‌ای از ابهام قرار داشت که تراژدی غم‌انگیز میانکاله یک بار دیگر تکرار شد. به گفته مدیرکل حفاظت محیط زیست مازندران در ۱۹ روز گذشته ۸ هزار ۴۰۲ بال پرنده مهاجر آبرزی در تالاب میانکاله و خلیج گرگان تلف شدند.

ظاهراً بیشتر گونه‌های تلف شده از نوع چنگر معمولی، فلامینگو و مرغابی هستند و پروژه جمع‌آوری لاشه این پرندگان همچنان ادامه دارد. این مرگ‌ومیر این‌بار به باغ پرندگان قم هم رسیده است و تاکنون بیش از ۷ هزار پرنده موجود در این مجموعه تلف شده‌اند.

### باز هم «بوتولیسیم»

مرگ‌ومیر پرندگان در تالاب میانکاله، دقیقاً مشابه پارسال چند هفته‌ای است که آغاز شده



هم‌افزایی داشته باشند تا علت دقیق مرگ این پرندگان مشخص و اعلام شود، اما هنوز هیچ اقدامی در این زمینه صورت نگرفته است.»

محمدعلی یکتانیک، دیگر کارشناس محیط زیست هم می‌گوید: «میانکاله فضای بسته‌ای دارد و تمامی فاضلاب‌های شهری، صنعتی، دامداری و کشاورزی در تالاب میانکاله خالی می‌شود. سازمان دامپزشکی کشور اجازه نمی‌دهد سایر مؤسسه‌های سم‌شناسی از این پرندگان تلف شده نمونه‌برداری کنند».

### ادامه دارد...

برخلاف مسئولان که سم بوتولیسیم و پس‌رفت آب میانکاله را دلیل مرگ‌ومیر پرندگان می‌دانند، کارشناس‌های فعالان این حوزه همه تقصیرها را گردن نهادهای مسئول مانند استانداری، مدیریت بحران، سازمان دامپزشکی و سازمان محیط زیست می‌اندازند.

این دسته از منتقدان علاوه بر ذکر مشکلاتی مانند بی‌برنامگی و کم‌کاری نهادهای مسئول، می‌گویند بررسی‌ها نشان می‌دهد پساب‌های صنعتی و دامداری زیادی به تالاب میانکاله وارد می‌شود که این موضوع یکی از دلایل اصلی تلف شدن پرندگان است.

با وجود این دقیقاً مانند سال گذشته، آمار مرگ‌ومیر در میانکاله روزبه‌روز افزایش می‌یابد و به نظر می‌رسد اگر تصمیمی در این راستا گرفته نشود، این روند در سال‌های آینده نیز ادامه خواهد داشت و هیچ تضمینی برای حفظ جان این پرندگان مهاجر در سال‌های پیش رو وجود ندارد.



۱۱۰

ورزش

آخرین بازی نیم فصل نخست لیگ برتر فوتبال

## ژنرال پرسپولیس را قهرمان می‌کند؟

در ستایش نبوغ امپا به

## عالی جناب وارد شد



معاون وزیر ورزش در همایش دانشگاه امام رضا (ع) مطرح کرد

## بحران کم تحرکی؛ چالش جامعه ایرانی

## مجازآباد

### چرا کسی اعتراض نمی‌کند؟



کرونای انگلیسی و خطرهایش این روزها نقل همه محافل شده است. عبدالله گنجی، فعال رسانه‌ای اما چور دیگری به ماجرا نگاه کرده و در توئیتر نوشته: «رئیس دانشگاه علوم پزشکی ایران گفته کرونای انگلیسی بر جوانان ۵ تا ۱۷سال بیشتر تمرکز دارد و فوتی‌های زیر ۵ سال از یک به ۴ درصد رسیده است. ندیدم کسی اعتراضی به رفت‌وآمدها به انگلیس بکند. ایرانی‌ها را زیر سؤال ببرد. پای سپاه و طلاب را به میان بکشد... این خودش بیماری است».

### وضعیت اضطراری



حال خوزستان باز هم خوب نیست. البته نه به خاطر ریزگرد یا کمبود آب آشامیدنی. رئیس دانشگاه علوم پزشکی اهواز در توئیتی نوشت: مطابق بررسی‌های آزمایشگاهی در دو هفته اخیر موارد متعددی از ابتلا به کرونای جهش یافته انگلیسی در خوزستان شناسایی شده. ویروس جدید با سرایت بسیار بالا و مرگ و میر بالاتر، سوش غالب کرونا در خوزستان است. اعلام وضعیت اضطراری در استان و اقدامات فوری و جدی برای قطع زنجیره انتقال ویروس ضروری است.

### مثل فاطمه خانم



شاید همه ما وظیفه داریم به‌خصوص در ایام کرونایی، تا حدی که از دستمان برمی‌آید، کارهای «حال خوب کن» را فراموش نکنیم. مثل موردی که دانیال معمار، فعال رسانه‌ای در توئیتر نوشت: قرار نیست آدم‌ها با کارهای خیلی خیلی بزرگ قهرمان بشوند. می‌توان مثل فاطمه یوسفی، پنج سال یک ساک پر از کتاب برداری و با هزار مشقت از این روستا به آن روستا بروی تا کتاب‌ها را به دست بچه‌های مناطق محروم مازندران برسانی و تبدیل به قهرمان همین بچه‌ها بشوی.

### آن ۷۰-۶۰ نفری که مُردند



با نزدیک شدن به سالگرد کودتای سوم اسفند و روی کارآمدن رضاخان یک کاربر فضای مجازی در توئیتر نوشت: روزی رضاخان به بابل سفر کرد، در آنجا مردم زیادی به خاطر مصادره املاکشان توسط شاه به گدایی افتاده بودند، شهردار برای اینکه شاه گداهان را نبیند آن‌ها را در حمام شهر زندانی کرد، شاه سه روز در شهر ماند، پس از رفتن او وقتی در حمام را باز کردند ۷۰-۶۰ نفر به دلیل نرسیدن غذا و هوا مرده بودند. منبع این نوشته کتاب «تاریخ بیست ساله ایران» نوشته حسین مکی است.





### باز هم دهنمکی ...؟!

سال‌هایی که در کیهان بودم، صبح‌ها وقت اضافی داشتم. معمولاً یک ساعتی را در کتابخانه می‌گذاندم. دستپخت‌های دهنمکی معمولاً روی میزها بود. مسئول کتابخانه هنوز جمعه‌ش نکرده بود، یکی می‌آمد و پهنش می‌کرد.

آن نشریات از منظر گرافیکی و نظم تیترها به هیچ صراط صفحه‌بندی حرفه‌ای (لیات) پایبند نبود، اما چیزی بود که مثل بقیه نبود. تیتراهای درشت و کلمات تند. بی جای معین ولی توی چشم. ستون‌ها ثابت نبودند اما قابل ردیابی. یک پاراگراف بی‌پیام نبود. هیچ ستونی بیهوده پر نشده بود. از همه مطالب فریاد دادستانی و عدالت بیرون می‌زدند. نتیجه آن همه را دوری از سازش طبقاتی رقم می‌زد. همه‌اش اعتراض، همه‌اش افشاگری، همه‌اش به یک جایی گیر دادن... البته همه‌اش از درون و نه برای عملگی براندازان.

هر چه بود، بی‌مخاطب نبود. مخالف زیاد داشت ولی مخاطب هم کم نداشت. نفوذ می‌کرد میان طیفی از مخاطبان، مورد توجه نخبگان قرار می‌گرفت، اهالی جدی سیاست از کنارش به راحتی عبور نمی‌کردند تا سر از دادگاه درآورد.

تارسید به سینما. تا اخراجی‌ها شد نقل و نبات خانواده‌ها. دهنمکی در سینما پدیده شد. از مسیر ژورنالیسم گریزی به پهنه مخاطب توده‌ای سینما و زوم شده در هدف انتلکتوتل‌ها، دست یافت.

دهنمکی همه چیز را به هم کوبید تا راه میان فیلمفارسی و به اصطلاح موج نویی‌ها و هنرتجربه‌ای‌ها را پیدا و طی کند. پس از اخراجی‌ها فرونشست ولی از پای ننشست.

دهنمکی حالا با یک سریال بلندپروازانه جنایی سیاسی سر بلند کرده است. بعد از مدار صفر درجه، سریال به دردبخور و قابل بحثی در تلویزیون ظهور نکرده است. در گونه سیاسی، گاندو و حالا دادستان.

آن‌هایی که من را از قدیم می‌شناسند، طبعاً با سلیقه‌ام آشنايند.

منظورم چیست؟ اینکه دوربین دهنمکی پاشنه آشیل «دادستان» است. چرخش دوربین روی بدن آدم‌ها یعنی چه؟ اینکه برای چندمین بار پاهای زندانی را توی چشم مخاطب فرو کنیم دیگر چیست؟ دوربین دائم پشت چیزی می‌لرزد و نصفه نیمه صورت آدم روبه‌رو را قاب می‌گیرد و... دهنمکی سخت‌ترین دکوپاژ را تجربه کرده، فضاهای متنوع، ریتم، این اصلی‌ترین مؤلفه سینما را درآورده، ولی دوربین روی دستش با لرزش‌های فاجعه و قاپ‌های درهم شکسته، آفت این بلندپروازی جدیدش شده است. نظر شما چیست؟



### دهنمکی، حرفه‌ای تر و پخته‌تر شده است

**سایت الف:** شبکه سه، بی سرو صدا- البته به زعم من - سریالی را پخش می‌کند که چه بسا در نوع سریال‌های تلویزیون ایران کم‌نظیر باشد.

سریال «دادستان» که توسط مسعود دهنمکی ساخته شده و در حال پخش است، از لحاظ فرم و تکنیک و چیدمان تمام امکانات و همچنین محتوا قابل تأمل و توجه است. دست‌کم تماشاکر دائمی سریال‌های پلیسی می‌تواند به داخلی‌ها امیدوار باشد و جذابیت آنان دوجندان هست؛ چرا که به سراغ موضوعاتی رفته که مردم به عینه با آن روبه‌رو هستند و برای تماشاکر می‌تواند جذاب باشد.

«دادستان» از همان ابتدا با سقوط مشکوک یک دانشجو آغاز می‌شود؛ سوژه‌ای پرتلاهب که جامعه به آن حساس است. به خصوص آنکه مخاطب با ادامه سریال متوجه می‌شود موضوع دانشجویان مطالبه‌گر و عدالتخواه و سپس آقا‌زاده‌ها و مسئولان دولتی است که بحث امروز مردم در میان محافل و خانه‌هاست.

در قسمت سوم سریال که به موضوع حمله به مجلس شورای اسلامی می‌پردازد قاب‌بندی‌ها، تدوین و همچنین صداگذاری حرفه‌ای و جذاب عمل شده است. دقیقاً اوج اتفاق و حادثه دلخراش مجلس را به تصویر می‌کشد که تماشاکر نمی‌تواند لحظه‌ای از صفحه تلویزیون روی برگرداند. به خصوص آنکه حوادث مجلس در زمان حاضر رخ داده و همه در جریان جزئیات آن هستند و کارگردان نمی‌تواند به راحتی از آن بگذرد. در تدوین این سریال لحظاتی تصاویر سریع می‌گذرد. کارگردان با حرکت سریع تصاویر به نوعی می‌گوید این همان صحنه‌های زاید است که تماشاکر را خسته می‌کند و البته طعنه‌ای هم به برخی سریال‌هایی که آب می‌بندد می‌زند.

از زمانی که دهنمکی به فیلم‌سازی روی آورده خود به خود به خاطر پیشینه‌اش برخی تحمل ورود آن را نداشته و ندارند ولی او همچنان فعال است و احساس می‌شود روز به روز گام‌هایش حرفه‌ای‌تر می‌شود و طبیعتاً در آثار قبلی‌اش دچار ضعف‌هایی بود که حتی برخی این نوع سینمایی کم‌دی جبهه‌ای‌وار نمی‌پسندیدند. اما با دیدن این سریال باید اعتراف کرد او خیلی پخته‌تر و حرفه‌ای‌تر شده و دقیقاً می‌داند مسیر فرهنگی انقلاب به چه چیزهایی نیاز دارد. برخی که در این فضای فسادستیزی و عدالت‌خواهی نیستند از درک این سریال قدری عاجزند و یا آن‌هایی که مایل نیستند دهنمکی این حرف‌ها را بزند قدری حوصله به خرج دهند. در شرایطی که تماشاکران تلویزیون ایران به دلیل فقر فیلم‌نامه و کارگردانی جذاب سراغ فیلم‌های پلیسی معمایی دانلود شده می‌روند دهنمکی هدیه‌ای به آنان داده که می‌توانند تحمل کنند و ببینند. اجازه بدھیم همه حرف‌های بغض در گلو را بیان کنند.

#### از زهره کهندل | این شب‌ها مینی‌سریال

«دادستان» روی آنتن شبکه سه می‌رود که پس از پخش اولین قسمت، حاشیه‌های زیادی پیرامون آن ایجاد شد. عده‌ای جدیدترین ساخته مسعود دهنمکی را اثری متفاوت در جبهه عدالت‌خواهی و فسادستیزی خواندند و عده‌ای دیگر به دلیل ضعف در ساختار و فرم، کارگردان اثر را به محتوازدگی متهم کردند. «دادستان» به تهیه‌کنندگی محمد خراعی و تولید سیمافیلم، فعالیت‌های جنبش عدالت‌خواهی دانشجویان دغدغه‌مند را روایت می‌کند. ماجرا با حادثه سقوط دانشجویی به نام عماد فتاحی از بالای ساختمان دانشگاه آغاز می‌شود و در ادامه ماجراهای دیگری درباره این دانشجو رقم می‌خورد که با ساجت و پیگیری سعی در افشای فساد مسئولان از جمله نمایندگان مجلس را دارد. در این سریال به ماجرای حمله داعش به مجلس که در خرداد سال ۹۶ اتفاق افتاد هم پرداخته شده است اما سازنده اثر تأکید دارد که این سریال اشاره به دولت و زمان خاصی ندارد.

مسعود دهنمکی با بیان اینکه مسئله عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی جزو دغدغه‌های همیشگی‌اش بوده، به خبرنگار ما می‌گوید: کسانی که در دوران برخورد مغرضانه عده‌ای را با موضوع عدالت‌طلبی دانشجویان به تصویر کشیدیم و مخاطب با یک فیلم‌نامه چالشی، طرح شبهه و پاسخ به آن شبهه در جای جای سریال مواجه است.

می‌خواهند مدیران تلویزیون را وادار به خودسانسوری کنند کارگردان فیلم «اخراجی‌ها» که اثرش جزو فیلم‌های جنجال‌برانگیز و پرفروش سینمای ایران در دهه ۸۰ بوده، معتقد است: با پخش سریال «دادستان» اصحاب قدرت بسیار آسیب می‌بینند چون این سریال با استتبال عمومی مواجه شده است، ساختار درست و ریتم تندی دارد و حرف‌های مبنایی و گفتمانی را طرح می‌کند که غیر از ناله، سیاه‌نمایی و مج‌گیری است. او تأکید می‌کند: این سریال به چاره‌اندیشی می‌پردازد و راهکار ارائه می‌دهد مثلاً اینکه فرزندان مسئولان نباید در زمان مسئولیت والدینشان در خارج از کشور تحصیل کنند و باید این امتیاز ویژه را از آن‌ها گرفت، خب صدا و سیما دانسته و خاطرنشان می‌کند:

گفت‌وگوی صریح قدس با مسعود دهنمکی، کارگردان سریال جنجالی این شب‌های شبکه سه

# «دادستان» از جنس مچ‌گیری و سیاه‌نمایی نیست



#### برش

**این حمله‌ها برای ما قابل پیش‌بینی بود، آن‌ها این هجمه‌ها را نسبت به من و سریال داشتند تا مسئولان تلویزیون را بترسانند و آن‌ها را وادار به خودسانسوری کنند**

او درباره اعتراض‌ها و انتقادهایی که علیه سریال او شده است، می‌گوید: آدم‌هایی که هدف این سریال بودند یکسری قلم به مزد را اجیر کردند تا اتفاق‌های دیگری بیفتد و به اسم تکنیک و شعاری بودن به کار حمله کنند، اگرچه این حمله‌ها برای ما قابل پیش‌بینی بود. آن‌ها این هجمه‌ها را نسبت به من و سریال داشتند تا مسئولان تلویزیون را بترسانند و آن‌ها را وادار به خودسانسوری کنند. اینکه رسانه‌ای در یک روز چندین مطلب را با اسامی رسانه‌ای جعلی علیه سریال «دادستان» منتشر می‌کند مشخص است که از جایی خط می‌گیرد. به باور دهنمکی، این دغدغه یک منتقد نیست چون منتقد صاحب‌نظر است و نظر خودش را دارد. اینکه مسائل حاشیه‌ای

مثل فرم و تکنیک را مطرح می‌کنند نشان می‌دهد که دنبال پاک کردن مسئله و ردگم‌کنی هستند. او بحث فرم و تکنیک را در این ماجرا یک بحث انحرافی دانسته و اضافه می‌کند: آن‌ها با محتوا مشکل دارند. بسیاری از اهل فن می‌دانند که سریال «دادستان» از نظر تکنیکی از استانداردهای تلویزیون بالاتر است. آن‌ها پشت فرم و تکنیک پنهان می‌شوند تا محتوا را لجن‌مال کرده و بحث‌های حاشیه‌ای را مطرح کنند، این نشان می‌دهد که مسائل دیگری هم وجود دارد و شاید دعواهای درون سازمانی هم دخیل در ماجراست شاید بخواهند با این کارها سیمافیلم یا شبکه سه را بزنند و دعوای درون سازمانی خودشان را داشته باشند.

#### حمله‌های ناجوانمردانه‌ای به ما شد

دهنمکی که پیش از این دو سریال «دارا و ندار» و «معراجی‌ها» را هم برای تلویزیون ساخته است، می‌گوید: این هجمه‌ها، مدیران تلویزیون به ویژه مدیران شبکه سه را محافظه‌کارتر نخواهد کرد. مدیران سیمافیلم پای توافق‌های اولیه با ما ایستاده‌اند چون پروژه «دادستان» اثرگردانی آن است.

مدیر مرکز تولید متن سازمان سینمایی حوزه هنری:

## «دهنمکی» یک پدیده رسانه‌ای ویژه است

به نظر من این هجمه‌ها را به بسیاری وارد کردند. آقای بحرانی هم در ساخت «ملک سلیمان» با همین هجمه‌ها مواجه شد. ضمن اینکه پرداختن به ماهیت و محتوای اخلاقی و ارزشی کار دشواری است. نوشتن فیلم‌نامه‌هایی با عشق مثلی و مربعی که کار سختی نیست. سینمای ایران مملو از این قصه‌های کپی پیستی است. مسئله اینجاست که اگر بخواهید درباره یک مفهوم متعالی و دغدغه‌مند فیلم و سریال بسازید، کار سخت می‌شود.

◆ **آیا فیلمسازان جوان نمی‌توانند به این عرصه‌ها ورود پیدا کنند، کما اینکه در یکی دو سال اخیر با حمایت برخی نهادهای فرهنگی، عده‌ای از فیلمسازان جوان انقلابی، آثاری با مضامین جنجال‌برانگیز ساختند؟** قطعاً آقای دهنمکی از این فیلمسازان جوان جلوتر است چون می‌داند که نباید کلیت نظام را زیر سؤال ببرد و فقط اشکال‌ها را بگوید. رهبری فرمودند که فساد موردی داریم نه فساد سیستمی، ولی فیلمسازان جوان به صراحت مثلی را تبدیل به یک اثر سینمایی می‌کنند. اتفاقاً برخی می‌گویند که فساد سیستمی است و در مقابل بیانات رهبری حرف می‌زنند چون بلد نیستند و زمانی که وارد این عرصه مفهومی می‌شوند، عجله دارند. این فیلمسازان جوان مثل ژورنالیسم کف خیابانی توی اتوبوس و تاکسی، حرف می‌زنند. این سطح از ژورنالیسم و مطالبه‌گری در آثار فیلمسازان جوان دیده می‌شود یعنی گزاره‌های رانندگان تاکسی را تبدیل به یک اثر سینمایی می‌کنند. اتفاقاً برخی از این آثار، فرم بسیار ضعیفی هم دارند. من آثار اولیه مهدویان را از نظر فرم و تکنیک از این نظر قبول دارم که در آن آثار از آدم‌های کاربلد به ویژه در پشت دوربین بهره برده بود ولی در «شیشلیک» که پشت صحنه‌اش، آدم‌های کاربلد ندارد ضعف فیلم‌سازی او مشهود است.

◆ **پس هجمه‌هایی که علیه آقای دهنمکی به خاطر سریال «دادستان» راه افتاده را رو نمی‌دانید؟** اصلاً، من دهنمکی را یک پدیده رسانه‌ای ویژه می‌دانم که هر زمان اثری را تولید می‌کند، حاشیه‌های آن اثر جدی می‌شود. این نشان می‌دهد که آن اثر نسبت به آثار دیگر وجوه متمایزی دارد. در چند قسمتی که از سریال «دادستان» پخش شده است دیدید چقدر سر و صدا کرد در حالی که سریال «روزهای ابدی» آقای شمشقری بسیار ضعیف بود و باید بیشتر به آن هجمه وارد می‌شد اما نشد. آقای دهنمکی روی مسائل حساسی دست می‌گذارد و حرف‌هایش را می‌زند که به خاطر نگاه قدرتمند ژورنالیستی‌اش صدای بسیاری را درآورده است کما اینکه علیه زندیاد سلحشور هجمه‌های فراوانی را وارد کردند.

فیلم‌نامه آثارش نمی‌گذارد. البته در مورد فیلم آخرش «زندانی‌ها» دغدغه فیلمساز مهم و جذاب است. بخشی را که درباره امام زمان(عج) مطرح می‌کند بسیار مهم است. در سینمای ایران و در ۱۶ فیلم جشنواره فیلم فجر، یک لحظه مناجات با خدا نیست؛ در حالی که سینمای آمریکا مملو از خداست. اینجا نقطه تاریک تولید فیلم‌ها و سریال‌هاست.



یک مشت آدم بی‌اعتقاد دارند فیلم می‌سازند در چنین سینمایی، دم آقای دهنمکی گرم که نگاهی به مفهوم امام زمان(عج) در فیلم «زندانی‌ها» دارد، عده زیادی اصلاً چنین کاری نمی‌کنند که حتی عکس آن هم عمل می‌کنند. من وکیل مدافع آقای دهنمکی نیستم ولی می‌گویم ایشان با وجود اینکه در چنین جو و اتمسفری حضور دارد همچنان سعی می‌کند دغدغه‌های سالم خودش را تبدیل به فرم کند اما اشکال اینجاست که تجربه‌ای در زمینه تبدیل این مفاهیم به فرم نداریم و حتی به خودمان احترام نمی‌گذاریم یعنی کمک نمی‌کنیم که فیلمسازان دغدغه‌مند محتوایی به لحاظ فرمی هم در این حوزه رشد کنند. به یاد دارم اشکال‌های

